

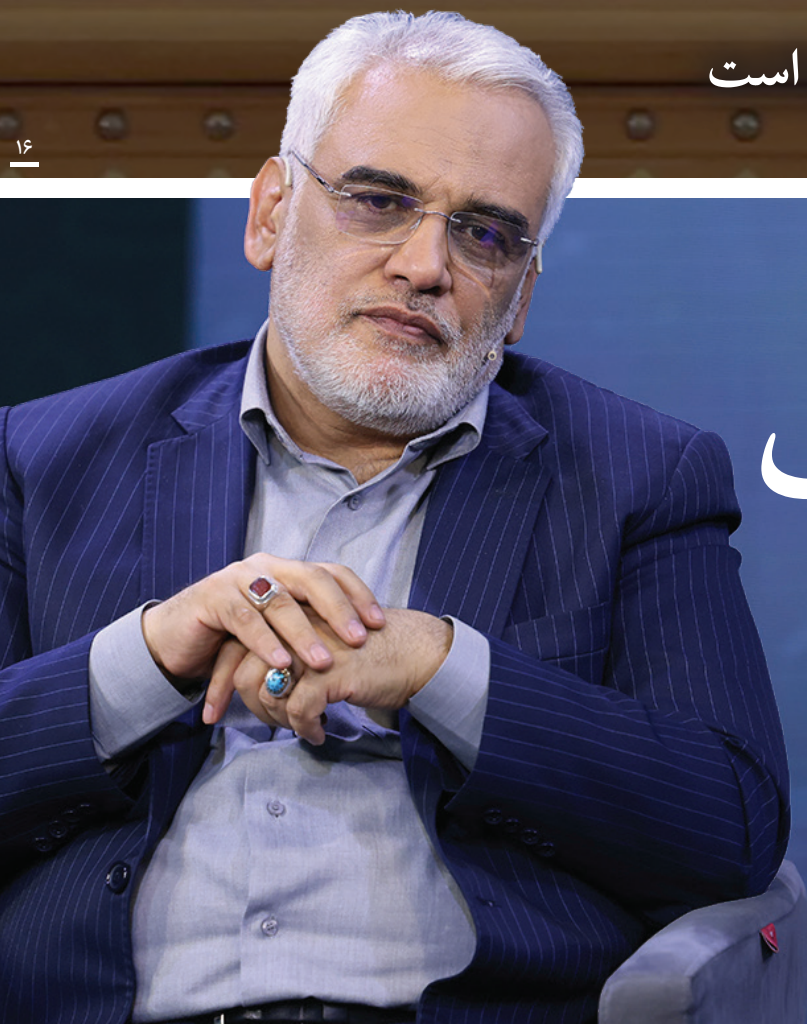


پادشاهان لابی

سه کشور عربی حوزه خلیج فارس
لابی‌های پرنفوذی در سیاست داخلی
و خارجی آمریکا دارند

گزارش «فرهیختگان»
از کاسبی لایه در لایه
و پیچیده شخصی
ترامپ در قطر، امارات
و عربستان

ترامپ بعد از انتخابات ۸ میلیارد دلار پروژه در منطقه تعریف کرده است



با حمایت شهید رئیسی پروژه مسکن دانشگاه آزاد شروع شد
به رکود ۸ ساله شورای عالی انقلاب فرهنگی پایان داد
اگر نقد صحیحی در رسانه‌ها می دید دستور پیگیری می داد

روایت دکتر طهرانچی از همنشینی و همکاری با شهید رئیسی:

به تأسی از شهید بهشتی در سیاست و مدیریت معتدل بود

از متن تا حاشیه؛ روایتی چندلایه از کن ۲۰۲۵

مرگ شعار تکثر در کن

۱۳ و ۱۲

«فرهیختگان» به مناسبت نمایشگاه کتاب بررسی می کند

زیر پوست کتاب‌های کمک
آموزشی چه می گذرد؟

سیمانی‌ها انتقام قطعی برق را با افزایش ۱۰۰ درصدی قیمت از مردم می گیرند

بروکنار
سیهانی نشی

۱۶

۸

نظم آمریکایی یا نظم غیر آمریکایی؛ مسئله این است

مصطفی غنی زاده
پژوهشگر سیاسی

سخنران ترامپ در عربستان، مانیفست نظم جدید آمریکایی در منطقه است. نظمی که در آن، نفوذ آمریکا مانند دوران اوج خود در دو دهه قبل بازیابی می شود؛ اما دیگر نیازی به حضور گسترده نظامی ندارد. نظمی که اسرائیل را جایگزین هژمون نظامی آمریکا می کند و به او اجازه می دهد تا به هر نقطه از منطقه دست اندازی کند. نظمی که چین را به شدت در مضیقه قرار می دهد و اجازه رشد نفوذ چین و روسیه در منطقه را می گیرد. نظمی که در آن، مقابله با ایران و هر گروهی که حرف از اسلام سیاسی بزند، یک اصل است. تمام اضلاع نه در مقابل رژیم صهیونی که در مقابل ایران اسلامی جایابی مجدد می شوند. ایران باید تضعیف شده بماند و در نظم جنوب خلیج فارس ادغام شود. توسعه، کریدور و سرریز فناوری، همگی از مسیر جنوبی گذر می کند که ذیل آمریکا تعریف شده و اسرائیل را ندام آن است. سوال اینجاست که ایران در مقابل این بازتعریف نظم جدید چه خواهد کرد. ایرانی که همیشه یک پایه اساسی برای برهم زدن طرح‌های قبلی آمریکا در موضع نظم منطقه‌ای بوده است. مسئله نظم آمریکایی، یک پیشینه مفصل تاریخی دارد. یک دهه پس از جنگ جهانی دوم، مسئله منطقه ما این بود که آیا نظم و طرح مورد نظر آمریکایی در آن جاری باشد یا نظمی غیرآمریکایی؛ حتی محمد رضا پهلوی نیز در دهه ۴۰ و با تمام وابستگی ساختاری به آمریکا، سعی داشت در میان آمریکا و شوروی موازنه ایجاد کند اما در نهایت، خود را به عنوان ستون نظم آمریکایی در خلیج فارس معرفی کرد. انقلاب اسلامی، این ستون را تخریب کرد و خود را در طرف نظم غیرآمریکایی بازتعریف کرد. غیرآمریکایی بودن نظم منطقه‌ای، معانی و مصداق مختلفی داشته است.

ادامه در صفحه ۷

سند وبتکاف در برابر پیشنهاد عراقچی؛ واقع گرایی آغاز می شود؟

مهدی خاتعلی زاده
استاد روابط بین الملل

پافشاری غیرمنطقی و غیرفنی طرف آمریکایی بر مسئله تعطیلی فرایند غنی سازی هسته‌ای در ایران و عدم پذیرش این مسئله به صورت رسمی از طرف مذاکره کنندگان کشورمان، بن بست در جریان گفت و گوهای غیرمستقیم ایجاد کرده بود که نهایتاً با اقدام هوشمندانه و پیشنهاد جدید ایران، وارد فاز جدیدی شد. بر طبق گزارش رسانه‌های بین المللی، سیدعباس عراقچی در چهارمین دور از مذاکرات که بعد از چند هفته وقفه در مسقط برگزار شد، پیشنهاد جدیدی تحت عنوان «کنسرسیوم غنی سازی» را به طرف مقابل ارائه کرد تا مسیر گفت وگوها از بن بست خارج شود؛ پیشنهادی که با استقبال و ابراز شگفتی طرف مقابل روبه رو شد. بر طبق این پیشنهاد – که البته پیش از این و در سال‌های گذشته نیز چندین بار به طرف‌های غربی ارائه شده بود – مجموعه‌ای از کشورهای منطقه که خواهان بهرهمندی از ظرفیت فنی و فناوری ایران در حوزه هسته‌ای هستند، به صورت مشترک و در قالب یک کنسرسیوم چندملیتی در داخل خاک ایران و با نظارت بین المللی که شامل کارشناسان آژانس بین المللی انرژی اتمی و احتمالاً برخی کشورهای اروپایی و حتی ایالات متحده می شود، مسیر چرخه سوخت اتمی و فرایند غنی سازی اورانیوم را اجرایی می کنند. این پیشنهاد که از سوی تیم ایرانی ارائه شد، هم بن بست مذاکرات را شکست و هم مسیر جدیدی را برای رفع بهانه جویی طرف آمریکایی ایجاد کرد؛ مسیری که البته چندان هم دوام نداشت. بر اساس آنچه منابع غربی – نظیر آکسیوس و نیویوریک تایمز – ارائه کرده اند، برخی از کشورهای عربی منطقه که قرار بود قطعات پازل کنسرسیوم غنی سازی را تشکیل دهند، از این ایده استقبال نکرده و پذیرش این مسیر را برخلاف راهبرد‌های هسته‌ای خود ازبایی کرده اند. بر همین مبنا، حتی توحید خلیج فارس وزیر امور خارجه کشورمان هم نتوانست نظر مثبت برخی از پایتخت‌های مهم عربی را برای پیگیری این ایده جلب کند و به نظر می رسد اگر طرف آمریکایی از اعمال زور برای پیگیری این مسیر استفاده نکند، نتیجه مثبتی در انتظار آن نخواهد بود و دو طرف باید به سراغ راهکار دیگری بروند.

ادامه در صفحه ۷

کنسرسیوم غنی سازی؛ پایانی بر بازدارندگی اتمی؟

حسین مهدی تبار
پژوهشگر سیاسی

کنسرسیوم غنی سازی اورانیوم مفهومی است که به همکاری چند جانبه بین کشورها یا شرکت‌ها برای انجام فرایند غنی سازی اورانیوم، معمولاً با هدف تولید سوخت هسته‌ای برای راکتورهای غیر نظامی یا اهداف تحقیقاتی، اشاره دارد. این همکاری می تواند شامل تأسیسات مشترک، نظارت بین المللی توسط نهادهایی مانند آژانس بین المللی انرژی اتمی (IAEA) و تقسیم مسئولیت‌ها و سودهای حاصل از تولید اورانیوم غنی شده باشد. کنسرسیوم‌ها با هدف کاهش هزینه‌ها، افزایش شفافیت و جلوگیری از انحراف به سمت برنامه‌های تسلیحاتی شکل می گیرند. این مدل همکاری در جهانی که نگرانی‌های امنیتی درباره گسترش تسلیحات هسته‌ای بالاست، به عنوان راهکاری برای مدیریت فناوری حساس غنی سازی مطرح شده است. سابقه کنسرسیوم‌های غنی سازی در جهان به چند نمونه برجسته بازمی گردد. یکی از موفق ترین نمونه‌ها، کنسرسیوم اورنکو (Urenco) است که در سال ۱۹۷۰ توسط انگلیس، آلمان و هلند تأسیس شد. اورنکو با تأسیسات غنی سازی در هلند و آلمان، اورانیوم غنی شده را برای نیروگاه‌های هسته‌ای در اروپا و دیگر نقاط جهان تأمین می کند. این کنسرسیوم تحت نظارت دقیق آژانس بین المللی انرژی اتمی و یوراتوم (EURATOM) فعالیت می کند و به عنوان الگویی برای غنی سازی تجاری بدون اهداف نظامی شناخته می شود. نمونه دیگر، کنسرسیوم اورودیف (Eurodif) در فرانسه است که با مشارکت کشورهای هائیتی، آلمان، ایتالیا، اسپانیا و پیش از انقلاب ۱۳۵۷، ایران، فعالیت می کرد. اورودیف برای تأمین سوخت هسته‌ای طراحی شده بود، اما پس از انقلاب، ایران از این کنسرسیوم کناره‌گذاشته شد و تعهدات مالی و فنی به ایران اجرا نشد.

ادامه در صفحه ۷

